

## عنوان مقاله:

مقایسه آموزه‌های اخلاقی شاهنامه فردوسی و مهابهاراتا

## محل انتشار:

مجله ادیان و عرفان، دوره 45، شماره 1 (سال: 1391)

تعداد صفحات اصل مقاله: 28

## نویسندگان:

سیده فاطمه زارع حسینی - دانشجوی دکتری دانشگاه تهران

مجتبی زروانی - دانشیار دانشگاه تهران

قربان علمی - دانشیار دانشگاه تهران

## خلاصه مقاله:

شاهنامه فردوسی و مهابهاراتای هندی اگر چه در نگاه نخست منظومه‌هایی حماسی به شمار می‌روند، برخلاف انتظار، گنجینه‌هایی بی‌همتا و آکنده از آموزه‌های اخلاقی و شایسته و ناشایسته هستند و همچون آینه‌ای صاف و درخشان، واقعیات، اوضاع و احوال و فرهنگ زمانه ی خویش را بازتاب می‌دهند. امور اخلاقی و گزاره‌های مطرح شده در این دو اثر، طیف گسترده ای را در بر می‌گیرد که هم شامل اخلاقیات کلی و عمومی که در مورد تک‌تک افراد بشر در هر زمان و هر مکان و هر شرایطی صدق می‌کند و هم شامل اخلاقیات طبقات و اصناف گوناگون اجتماع می‌شود. در این گفتار برآنیم تا با بررسی گزاره‌ها و آموزه‌های اخلاقی این دو اثر و ارزیابی آنها با دیدگاه‌های رایج در علم و فلسفه ی اخلاق، به پاسخی درخور درباره ی مفهوم اخلاق از نگاه این منظومه‌های بزرگ و گران‌سنگ دست یابیم و دریابیم که اخلاق مطرح شده در آنها - از حیث مفهوم و معنا - با کدام یک از اقسام اخلاق شباهت و قرابت بیشتری دارد.

## کلمات کلیدی:

شاهنامه فردوسی، مهابهاراتا، اخلاق، اخلاقیات، فلسفه اخلاق، فضیلت گرایی، غایت گرایی، تکلیف گرایی

## لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/1888568>

